

پل استار

(برنده جایزه پولیتزر ۱۹۸۴
و برنده جایزه گلداسمیت ۲۰۰۵)

قدرت آزادی

نیروی راستین لیبرالیسم

ترجمه فریون مجلسی



استار، پله ۱۹۲۹.	Paul start
قدرت آزادی: نیروی راستین لیبرالیسم، ترجمه فریدون مجلسی - تهران: نشر ثالث ۱۳۸۷، ۳۷۱ ص.	
عنوان اصلی: Freedom's power: the true force of liberalism	
شابک ۹۷۸-۹۶۲-۳۸۰-۲۵۱-۰	ISBN 978-964-380-451-0
۱. علوم سیاسی ۲. آزادی خواهی، مجلسی، فریدون، ۱۳۲۳ - مترجم	
۳۲/۵۱	JC ۵۷۲/الف ۳۲



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند/ بین ایران‌شهر و ماهشهر/ پ ۱۵۰/ طبقه چهارم/ تلفن: ۸۸۲-۲۲۳۷
فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایران‌شهر و ماهشهر / پ ۱۲۸ / تلفن: ۷-۸۸۲۵۳۷۶

Paul Starr
Freedom's Power
The Force Of Liberalism
Basic Books, 2007

□ قدرت آزادی: نیروی راستین لیبرالیسم

- پل استار • ترجمه فریدون مجلسی • ناشر: نشر ثالث
- مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی • دبیر مجموعه: علیرضا جاوید
- مدیر هنری و طراح جلد: پرویز بیانی
- ویرایش فنی و لیتوگرافی: کارگاه نشر ثالث
- آرزو رحمانی - رضا شمس و انسیه محسنی - سحر مصدومی
- چاپ اول: ۱۳۸۸ / ۲۰۰۰ نسخه
- چاپ: رهنما • صحافی: صفحه‌پرداز
- کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به نشر ثالث است
- شابک ۹۷۸-۹۶۲-۳۸۰-۲۵۱-۰
- ISBN 978-964-380-451-0
- سایت اینترنتی: WWW.Salesspub.ir
- پست الکترونیک: Info@Salesspub.ir
- قیمت: ۶۸۰۰ تومان

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۳	پیش‌گفتار و سپاس‌گذاری
۱۷	مقدمه: برنامه لیبرال

بخش نخست: لیبرالیسم قانون‌مدار

۳۷	۱. لیبرالیسم و نظام قدرت
۴۰	قدرت و آزادی
۴۵	لیبرالیسم چگونه کار می‌کند
۴۹	خاستگاه لیبرالیسم قانون‌مدار
۵۵	۲. وانهادن خلاق کشورداری لیبرال
۵۹	قانون‌مداری [مشروطیت] و قدرت در انگلستان
۷۳	ایجاد و مهار قدرت در امریکا
۹۱	۳. نظم کلاسیک
۹۳	عمومی در مقابل خصوصی
۹۹	حکومت قانون و تفکیک قوا
۱۰۳	آزادی مذهب و جدایی دین از دولت
۱۰۹	آزادی اقتصادی و حق مالکیت

- ۱۱۸ جامعه مدنی و دولت منتخب
۱۲۶ مرزهای لیبرالیسم کلاسیک

بخش دوم: لیبرالیسم دموکراتیک جدید

- ۱۳۵ ۴. تبارشناسی لیبرالیسم دموکراتیک
۱۳۸ دموکراسی، آموزش، و شهروندی
۱۴۸ برابری، کار و حکومت مثبت
۱۶۴ آزادی‌های مدنی و آزاد سازی فرهنگ
۱۷۲ ملی‌گرایی و بین‌الملل‌گرایی لیبرال
۱۷۹ ۵. لیبرالیسم و بحران طولانی ۱۹۱۴-۱۸۹۱
۱۸۴ سیاستمداری لیبرال زیر فشار
۱۹۴ انقلاب جهانی نامنتظر
۲۰۹ ۶. چرا لیبرالیسم مردم سالار کار می‌کند
۲۱۲ رفاه تقسیم شده
۲۲۴ نظم جدید: تکثرگرایی در حد کمال
۲۳۶ آیا لیبرالیسم در دهه ۱۹۶۰ به کژراهه رفت؟

بخش سوم: برنامه لیبرال دوران ما

- ۲۶۷ ۷. برخاسته از سوسیالیسم
۲۷۳ پس از ۱۹۸۹: گزینه پساکمونیست
۲۸۲ بازار اجتماعی
۲۹۳ لب‌السه ام‌یکار. دهه ۱۹۸۰: حوضه حب
۳۰۳ ۸. سیاستمداری و خطر در جهانی نو
۳۰۸ دو چهره یک‌جانبه‌گرایی
۳۱۸ قدرت از طریق مشارکت
۳۲۳ ۹. به اتفاق هم: مشارکت دموکراتیک هم‌اکنون
۳۵۱ نمایه اسامی
۳۵۷ نمایه موضوعی

یادداشت مترجم

نویسنده این کتاب پُل استار استاد جامعه شناسی و امور عمومی در دانشگاه پرینستون و از بنیانگذاران و اعضای تحریریه نشریه آمریکن پراسپکت [چشم انداز امریکا] است. یکی از کتاب‌های او به نام دگرگونی اجتماعی داری امرکایی، برنده جایزه پولیتزر سال ۱۹۸۴ برای کتاب‌های غیر داستانی، و برنده جایزه بنکرافت در تاریخ امریکا شد، و کتاب دیگرش، آفرینش رسانه‌ها در ۲۰۰۵ برنده جایزه کتاب گلداسمیت شده است. استار در پرینستون نیوجرسی زندگی می‌کند.

معمولاً کتاب‌هایی که موضوع آن‌ها نظریه یا فلسفه سیاسی است بسیار حجیم هستند، خصوصاً اگر نظریه پردازی بر پایه تخیلات آرمان شهری باشد، که نه سنده م. که شد خود و دیگران را درباره صحت نظرات خود توجیه کند. لیبرالیسم از آن گونه نیست، بلکه حاصل سیر تاریخی تحول‌گرایی است که پیوسته خود را اصلاح کرده و کوشیده است با شرایط روز وفق دهد. طبیعتاً وامدار فرد خاصی نیست، و نمی‌تواند با تعصب و خشکاندیشی سازگار باشد. پس عجیب نیست اگر زمانی با شرایط تبعیض‌نژادی و استعمار نیز به نوعی همزیستی داشته است، و به اقتضای پیشرفت فکری و اخلاقی و مدنیت بشر، در قالب دموکراسی قرار گرفته و از سیاست آزادگذاری آدام

اسمیت به برنامه‌های رفاهی، عدالت اجتماعی، برابری، آزادی انتخاب، فرصت‌های برابر آموزشی و اشتغال برگرفته از آموزه‌های سوسیالیستی روی می‌آورد و پایدار می‌ماند. شاید به همین دلیل است که پیوسته در کنار بحث نظری به مصادیق عینی از گذشته تا حال حاضر توسل می‌جوید.

لیبرالیسم در جوامع دموکراتیک با محافظه‌کاری در تقابل و رقابت است. وضعیت کنونی در آمریکا و کارنامه دولت بوش نشانگر اوج این تقابل میان لیبرالیسم و نومحافظه‌کاران واپسگراست که چندان در غم منافع طبقات اجتماعی متوسط و پایین نیستند و با این حال به پخته‌توانه برخی اعتقادات تأثیرگذار در میان همان طبقات، رأی‌دهندگان و طرفدارانی دارند. در این کتاب سیر تحول نظری و عملی لیبرالیسم، عملکرد، و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن در ارتباط با افکار و شیوه‌های زمان و محیط خود بحث شده است. عدم انقیاد ایدئولوژیک لیبرال موجب تفاوت آن با مکاتب نظری ایده‌آلیست دیگری شده است که خود را علمی می‌پندارند و مسائل عادی و پیش پا افتاده‌ای همچون تحول تاریخی شیوه زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بشر و تأثیرپذیری آن را از پیشرفت‌های علمی و فرهنگی در طی زمان چنان در قالب لفاظی‌های پیچیده نظری و فلسفی می‌پوشانند که انگار فقط برگزیدگانی اندک از توفیق درک آن برخوردارند، و در اجرا و عمل جز فقر اجتماعی و فساد و عقب‌ماندگی و سقوط، یا توسل به همان شیوه‌هایی که با آن در مبارزه بوده‌اند حاصلی نداشته‌اند، و مثبت‌ترین تأثیرشان نیز تعمیم عدالت و حقوق اجتماعی و اقتصادی به سود طبقات میانی و فرودست در کشورهای رقیب بوده، که برآستی تأثیری ارزنده و قابل سپاس و ذکر است. از این رو از طرفی متن کتاب از آن گونه آثار روشن‌تر است، و از طرف دیگر لیبرالیسم طرفدارانش را به تفکر و ایدئولوژی ویژه‌ای مقید نمی‌کند و در درون آن طیف فکری گسترده‌تری فرصت بروز و بحث دارد.

واژه حقوق در فارسی به معنی علم حقوق و همچنین به معنی جمع حق است، در این کتاب اصولاً به معنای دوم آمده است، مانند «حقوق بشر» و

حتی عبارت «حقوق مدنی» در این کتاب به معنی حق‌هایی است که در جامعه مدنی به شهروند تعلق می‌گیرد نه به معنی موازی حقوق کیفری. با این حال برای جلوگیری از ابهام، بعضاً واژه «فردی» در مقابل «حقوق» افزوده شده است.

دربارۀ نظریه‌ها و اندیشه‌های چپ از سالیان پیش آثار بسیاری به فارسی ترجمه شده است، اما گویی دربارهٔ لیبرالیسم، معنای لغوی آن را برای گواهی از سر درون آن کافی انگاشته‌اند، و جز آثار فرعی و بحث‌های جنبی بعضاً بسیار ارزشمند، مثلاً دربارهٔ جامعه باز، یا آثار دیگر از متفکران لیبرال، اثری مستقیماً در شرح و تفسیر لیبرالیسم آن هم از سوی استادی صاحب‌نظر به یاد نمی‌آورم.

در این ترجمه، در مقابل واژه Constitutional به معنی متعارف مشروطه، با توجه به متن معادل قانون‌مدار و مشتقات قانون‌مداری و قانون‌مدارانه آمده است. تلفظ صحیح اسامی غالباً با زیر و زیر مشخص شده است، اما در بیشتر موارد در پانوشته‌های مرتبط با متن، هجای لاتین آن اسامی نیز آمده است.

فریدون مجلسی

بهار ۱۳۸۷

پیش‌گفتار و سیاس‌گذاری

زمانی، جان دوی، در توضیح باورهای مذهبی خود نوشت که او «به چیزهای خاص شک دارد»، اما «به چیزهای کلی ایمان دارد»، یعنی سخنی که به دیدگاه لیبرال دربارهٔ سیاست شبیه است. لیبرالیسم همیشه قماری بوده است بر سر آزادی و بحث علنی، محصول اشتیاقی برای پروراندن تردید دربارهٔ همه چیز به‌طور خاص، اعتقادی به انتقاد و رقابت شدید، و اعتمادی کلی به نتیجهٔ آن. تاریخ اخیر، قطعاً آن اعتماد را آزموده است، اما لیبرالیسم از زمان‌هایی تیره‌تر از این‌ها جان به در برده است، و به نظر من، بازهم بخت با قمار است که لیبرالیسم ما را به آن فرا می‌خواند. تضارب آزادانهٔ افکار متعارض، روش‌های شکاکیت سازمان‌یافته و سامانهٔ رقابت سیاسی دموکراتیک و اقتصادی منابع غنی آگاهی، فراوانی، و توانمندی بشر است. این‌ها اجزای داستان قدرت آزادی هستند.

اما، این کتاب ضمناً دربارهٔ مطالبی است که ممکن است برخی آن را به‌عنوان نظریه‌های درکی متقابل تلقی کنند، حاکی از این‌که آزادی مستلزم قدرتی است به شکل دولت قانون‌مدار مقتدر و با صلاحیت و این‌که لیبرالیسم دموکراتیک مدرن — با بزرگ‌نمایی آن دولت از برخی جهات و محدود کردن آن از جهات دیگر — این امکان را برای جامعه به وجود می‌آورد که

هم به قدرت و هم به آزادی بیشتری دست یابد. در این متن، به تفسیری تاریخی از طرح یا پروژه لیبرال و به دفاعی از شکل جدید فراگیر و تساوی‌گرای آن می‌پردازم. لیبرالیسم فقط در طلب حقوقی نیست که محدودیت‌هایی برای دولت وضع کند. حقوق، قطعاً بر انطباق مسئولیت‌های فردی و اجتماعی دلالت دارد، و به‌طوری که در این متن می‌گویم نشان دهم، لیبرالیسم به همان اندازه که روشی برای آفرینش قدرت است، به همان اندازه روشی است برای محدود کردن آن. این درسی است که بلافاصله به دنبال انقلاب‌های بزرگ و کلاسیک لیبرال (۱۶۸۸ در انگلستان، ۱۷۷۶ در آمریکا) و همچنین از انقلاب‌های لیبرال متأخر (۱۹۸۹ در اروپای شرقی) گرفته شد. از جهتی، دولت لیبرال و قوانین آن، نماد قدرت آزادی و شالوده‌گریزناپذیر بقای آزادی هستند. لیبرالیسم، صرفاً مجموعه‌ای از آرزوهای خوب نیست. لیبرالیسم از لحاظ تاریخی از فشارهای تضاد سیاسی داخلی و بین‌المللی، و بیش از همه از فشارهای جنگ برخاسته است. بنابراین، قدرت آزادی هم درباره قدرت است که جوامع آزاد می‌آفرینند، و هم درباره قدرتی است که این جوامع خواهان آن هستند.

این کتاب را ممکن است هم به‌عنوان نفی محافظه‌کاری معاصر و هم به‌عنوان جریان‌هایی از افکار لیبرال و سیاست‌های پیشرو تلقی کرد. من به این دلیل به نوشتن آن همت گماردم که به نظرم رسید شرحی کشف، موجز، در دسترس، و روزآمد درباره طرح یا پروژه لیبرال وجود نداشت، یا دست‌کم تا آن‌جا که می‌دانم چنین نبود. امیدوارم بتوانم شما را ترغیب کنم به این‌که برای اندیشیدن درباره لیبرالیسم، راهی بهتر از آنچه احتمالاً پیش از این درک کرده‌اید وجود دارد - یعنی راهی منطقی‌تر با این سنت و سازگارتر با واقعیات جهان. با این‌که به‌هیچ‌وجه نکوشیده‌ام به همه جنبه‌های لیبرالیسم بپردازم، اما در این جا طیف آن را گسترده‌ام، به‌طوری که هم با تاریخ و اندیشه‌ها سر و کار دارد، و هم با فلسفه و سیاست، و روابط بین‌المللی و سیاست داخلی. ضمن تأیید رشته‌های فکری متفاوتی که این سنت را به وجود می‌آورند، کوشیده‌ام

ادراکی از ارتباط و انسجام آن به دست دهم. برخلاف آن‌هایی که معتقد به انقطاعی در تداوم میان لیبرالیسم کلاسیک و لیبرالیسم مدرن هستند، من این دو را بسیار نزدیک و مرتبط می‌دانم — یعنی دومی در زمینهٔ اولی و در پاسخ به تجربهٔ تاریخی و شرایط متفاوت اجتماعی، و سیاستی مردم‌سالارانه‌تر یا دموکراتیک‌تر رشد کرده است. در ایالات متحد، محافظه‌کاران و لیبرال‌ها را حاملان آرمان‌های بنیانی کشور می‌پندارند. این کتاب به این بحث می‌پردازد که لیبرال‌ها در این ادعا جایگاه بهتری دارند.

برخی از لیبرال‌ها توصیه می‌کنند که در مقابله با حملات، از واژهٔ «پیشرو» = مترقی، الزاماً برای نشان دادن تغییری در اعتقادات استفاده نشود، بلکه صرفاً برای گریز از سوء تعبیری به کار رود که محافظه‌کاران بر لیبرالیسم وارد کرده‌اند. تجدید برچسب ممکن است در بازاریابی، حتی در بازاریابی برای نامزدهای سیاسی، کاربرد داشته باشد، اما در مجادلات دربارهٔ افکار طفره‌رفتی بیهوده است. هیچ‌کس فریب نخواهد خورد، و چشم‌پوشی از هویتی دربارهٔ لیبرالیسم به معنی قربانی کردن ارتباطی محسوس با میراثی غنی از تفکر سیاسی است. به هر تقدیر، این کتاب بازتاب ضربه و انگیزشی متفاوت است — یعنی دوری نگزیدن از گذشته، بلکه بازگشت به آن برای دریافتی درست از این که لیبرالیسم چیست، و اصلاح برداشت‌های غلطی که در دهه‌های اخیر از آن شده است.

امکان ندارد بتوانم از عهدهٔ تسویهٔ دینی که در فرایند نگارش این کتاب بر گردن گرفته‌ام برآیم. این دین، از جهتی، به استادان دوران کارشناسی‌ام در کلمبیا باز می‌گردد، به‌ویژه نسبت به فریتز استرن و دانیل بل، که سرمشق وسعت دانش و اوج بینش و آگاهی بوده‌اند. در حدود بیست سال پیش، مشتاق بودم به اتفاق دوستم استیفن هُلْمَز کتابی دربارهٔ لیبرالیسم بنویسم؛ آن کتاب هرگز نوشته نشد، اما از او چه دربارهٔ لیبرالیسم کلاسیک و چه دربارهٔ سیاست معاصر در اتحاد شوروی پیشین و اروپای شرقی بسیار آموختم. همچنین مدیون بسیاری از دوستان کالج پرینستون هستم که در طی نگارش

اندرزها و ایده‌هایی به من دادند، و در فصول مختلف آن، نظرات خود را ابراز داشتند. به‌ویژه مایلم از استیفن مایدو، آندرو موراوچیک، دانیل راجرز، و کیم شپل سپاسگزاری کنم. در طی سالیان همکاری در مجله چشم‌انداز آمریکایی، از همکارانم در هیئت دبیران رابرت کوئیر، کریستوفر جنکز، و مایکل توماسکی بسیار آموختم. در آغاز فکر کرده بودم که برخی از مقالاتی که در چشم‌انداز [پراسپکت] منتشر می‌کردم فصل‌هایی از این کتاب را تشکیل خواهند داد؛ در پایان، فقط از تکه‌هایی از آن استفاده کردم، اما فرایند کار در بسیاری از شماره‌های آن مجله برایم فوق‌العاده ارزنده بوده است، به‌ویژه در تفکر درباره «پروژه لیبرال اکنون» (که عنوان مقاله‌ای از من در شماره پانزدهمین سالگرد چشم‌انداز بود). همچنین مایلم از خانواده‌ام سپاسگزاری کنم، به‌ویژه از همسر من، که به‌عنوان پژوهشگر ادبی — به اندازه چهره‌ای چون میلتن — در درک کامل‌تر تاریخ عقاید و افکار به من کمک کرده است.

پُل استار

نوامبر ۲۰۰۶